

DOR: <https://dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1399.16.37.2.3/>

ساختارشناسی مفهوم رضایتمندی مسکن با رویکرد فلسفه پدیدارشناسی (نمونه موردی: خانه قاجاری شیخ‌الاسلام و چند مجتمع مسکونی در زنجان)

یاشار اصلانیان^۱

حسین ذبیحی*

کمال رهبری‌منش^۲

چکیده

سکونتگاه انسان، همواره جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در تأمین آسایش، آرامش و رضایتمندی وی داشته است. از این رو، «سر پناه» در اندیشه انسانی، دیرینه‌ای به درازای تاریخ زندگی گروهی و اجتماعی دارد. امروزه، شماری بر این باورند که در دوران مدرن، معماری بیشتر چشم و منظر بصری را در نظر می‌گیرد و به سایر ادراک حسی و بدن انسان کم توجه است. این پژوهش می‌کوشد، روند منطقی‌شناسایی و اولویتبندی عناصر تجربی چند حسی در ارتقای رضایتمندی مسکن را تدوین نماید. این کار پژوهشی براساس روش تحقیق آمیخته (کمی و کیفی)، همراه با استدلال منطقی انجام شده است. در بخش کیفی، روش مشاهده پدیدار شناسانه و مصاحبه، جهت شناسایی عوامل موثر بر مطلوبیت بکار رفته است. در روش کمی، از پرسشنامه برای گردآوری داده‌های جامعه آماری (ساکنان مجتمع‌های مسکونی زنجان) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیوند بین آگاهی مفهومی، ادراک چند حسی، این همانی با طبیعت و مطلوبیت سکونتگاه معنادار است. همچنین، مؤلفه‌های حسی موجود در خانه‌های بررسی شده، بر کیفیت محیطی آن و نیز بر مطلوبیت فضا و رضایتمندی ساکنان تاثیر دارند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و شناخت مطلوبیت مسکن و مفهوم رضایتمندی از آن، با رویکرد فلسفه پدیدارشناسی.
۲. تدوین و ارائه مدل مفهومی مطلوبیت سکونتگاه.

پرسش‌های پژوهش:

۱. آیا بین مؤلفه‌های حسی و معیارهای کیفیت یک مجموعه مسکونی رابطه معناداری وجود دارد؟
۲. آیا خانه فقط نیاز اولیه انسان را برآورده می‌کند یا اینکه مفهومی فراتر از آن است؟

واژه‌های کلیدی:

رضایتمندی مسکن، تجربه چند حسی، پدیدارشناسی معماری، مجتمع مسکونی، زنجان.

^۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
yashar.aslanian@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دکترای تخصصی، دانشیار گروه شهرسازی و معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. h.zabihi@srbiau.ac.ir

^۳ دکترای تخصصی، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
pr.rahbari@gmail.com

مقدمه

معماری اندیشه خلق یک بهشت زمینی است؛ بن‌مایه‌ای که خانه‌های ما را می‌سازد. در معماری اساسی‌ترین عامل مردم هستند، از این روی معنای هر اثر معماری بدین وابسته است که این اثر تا چه اندازه آسایش، آرامش و رضایت مردم را تأمین می‌کند و در پاسخ به نیازهای ایشان کارا است. ماهیت سکونت آن‌چنان در اندیشه انسان با اهمیت است که دیرینه آن به تاریخ فلسفه بشر می‌رسد. در دوران مدرن با توجه به ایده‌ها، نظرات و شرایط حاکم، واژه سکونت دوباره به مفهوم سرپناه تقلیل پیدا کرد. طراحی معماری در دوران مدرن عموماً چشم و منظر بصری را مد نظر قرار می‌دهد؛ اما برای بدن و سایر ادراکات حسی مأوی وجود ندارد. سلطه چشم و سرکوب شدن سایر حواس، ما را به جدایی از محیط سوق می‌دهد. در فرایند ادراک محیط بخش زیادی از شناخت و تماس با دنیای خارج به وسیله اندام‌های حسی حاصل می‌شود. معماری انسان ساخت، یورش به حواس است. این پدیده در معماری ایرانی بخصوص با توجه به رویکرد مطالعه در ابنیه مسکونی دوره قاجار لمس می‌گردد. در خانه ایرانی احجام و فضاها دیده و لمس می‌شوند، بویها استشمام می‌شوند، صداها شنیده می‌شوند و به این ترتیب تجربه‌های حسی - عاطفی متنوعی شکل می‌گیرند. در تجربه جهانی نیز از اواسط قرن بیستم میلادی انتقادات بسیاری به آراء و عقاید متفکران معماری و شهرسازی مدرن و شیوه اجرایی آن‌ها وارد شد. منتقدان مدعی بودند که مدرنیسم مقولاتی مانند معنی، هویت و احساس تعلق را در نظر نگرفته است، بنابراین زمینه ظهور پدیدارشناسی و رویکرد آن به منظور ارائه مفاهیم و راه‌حلهایی که این فقدان را جبران سازد فراهم شد (بریمانی، ۱۳۹۱: ۳۱). پدیدارشناسان معماری، از جمله نوربرگ-شولتز^۴، فرامپتون^۵ و پالا سماء^۶ دارای دغدغه‌هایی یکسان هستند. به زعم ایشان تأمین سکونت واقعی، به همراه ایجاد مطلوبیت و رضایت‌مندی، سهم بسزایی را در شکل‌گیری خاطره‌مندی، حس تعلق، هویت و در نهایت رفتار ساکنان بازی خواهد کرد. معماری که برای انسان، افزایش سطح کیفی زندگی و تأمین نیازهای ادراکی، حسی و شناختی را در پی داشته باشد. بخش مهم و تأثیرگذاری از این امر به حضور بدنمند و ادراک چند حسی انسان از مکان‌ها بازمی‌گردد. این پژوهش بنیادی - کاربردی، در صدد آن است که روندی منطقی به منظور شناسایی و اولویت‌بندی عناصر تجربه چند حسی در ارتقای رضایت‌مندی، تدوین نماید. چنین اولویت‌بندی امکان خواهد داد، تا مسیری را به منظور دستیابی به معیارهایی برای درگیری حواسی که نقش پررنگ‌تری دارند و در عین حال مغفول مانده‌اند پیمود.

بر این مبنا روش تحقیق در مقاله حاضر، ترکیبی از روش «استدلال منطقی» و «آمیخته کمی و کیفی» (نیازی، ۱۳۹۱) است. در بخش کیفی، مشاهده پدیدارشناسانه و مصاحبه، در شناسایی عوامل موثر بر مطلوبیت در نمونه ابنیه سنتی ایرانی به کار رفته است. مصاحبه با چهار نفر از اعضا هیئت علمی دانشگاه که مدرس طرح مسکن بوده‌اند در محل نمونه موردی، پیش از شروع فرایند تحلیل کمی پژوهش، به عنوان یک ابزار برای شناسایی متغیرها و روابط آنها و پیشنهاد سوالات به کار رفته است. مصاحبه‌های انجام گرفته به روش تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در بخش کمی، ابزار اصلی پژوهش اخذ پرسشنامه بوده است. در مقاله حاضر از انواع ابنیه، مسکن به دلیل اهمیت و جایگاه آن در هویت‌بخشی افراد و زمان و نحوه حضور تمامی سنین و جنسیت‌ها در آن به عنوان بستر پژوهش انتخاب شده است. خانه شیخ‌الاسلام زنجان با توجه به ثبت ملی، برای نمونه قاجاری مورد توجه قرار گرفته است. در میان گونه‌های

^۴ Christian Norberg-Schulz. ۱۹۲۶-۲۰۰۰، از برجسته‌ترین چهره‌های پدیدارشناسی در معماری است که تأثیری ژرف بر بسط و گسترش این گفتمان داشته است.

^۵ Paul Frampton، پدیدارشناس انگلیسی فیزیک ذره‌ای.

^۶ Juhani Uolevi Pallasmaa، معمار و پدیدارشناس فنلاندی.

مسکونی، مجتمع‌های مسکونی به علت این‌که متغیرهای مداخله‌گر مانند بو و صوت برای ساکنین یکسان بوده، در کنار فراوانی و امکان تسری نتایج و همچنین نزدیکی اجتماعی و اقتصادی افراد ساکن در آن‌ها، به عنوان نمونه موردی برای بررسی انتخاب شده‌اند. توزیع پرسشنامه در میان ساکنان بیش از یک سال انجام گرفته است تا تجربه حسی آنان، شتابزده و هیجانی نبوده و تجربیات فصول و شرایط مختلف را داشته باشند. پرسش‌شوندگان (جامعه آماری)، ساکنان مجتمع‌های مسکونی شهر زنجان بوده‌اند. سه مجتمع مسکونی قائم (تصویر شماره ۱)، فجر و البرز با توجه به کفایت داده‌های آماری به عنوان نماینده‌ای از مجتمع‌های مسکونی به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، مرحله‌ای انتخاب و توزیع پرسشنامه انجام گرفته است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS16 و Amos24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در پایان نظریه آزمایشی مدل مفهومی، بر اساس نمونه‌های موردی آورده شده است.

مفهوم رضایت‌مندی مسکن

تعریف واژه‌های «مطلوب» و «رضایت»، ما را در تشریح مفهوم رضایت‌مندی مسکن یاری می‌کند. واژه مطلوب در فرهنگ فارسی معین، خواسته شده، دلپسند و خوش‌آیند معنی شده است (معین، ۱۳۹۱: ۱۷۶۰). رضایت نیز در معنی لغوی خود در فرهنگ عمید به معنی رضا، راضی بودن و خشنودی از چیزی یا مکانی آمده است (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰). در باب رضایت‌مندی مسکن، مطالعات مختلفی انجام شده تا مدل‌های متفاوتی که با درجه رضایت‌مندی سکونتی ارتباط معناداری دارد، شناسایی کنند. هیوج مطالعات فرهنگی در باب مسکن و خانه را به سه گروه تقسیم می‌کند که بجز مورد اول یعنی هویت و خانه آرمانی دو گروه دیگر در محدوده مطالعه حاضر قرار می‌گیرند: دسته اول که سنتی دیرینه در مطالعات مسکن به شمار می‌رود، ریشه در فلسفه و جغرافیا دارد. در این دسته مطالعات که «پدیدارشناسی» جایگاه ویژه‌ای در آن دارد، بر تجربه سوژه محور و ادراکات ذهنی فرد از جهان هستی خود تأکید می‌شود. به نظر پدیدارشناسان، سکونت فرآیند تبدیل یک مکان به خانه تعریف می‌شود. نوربرگ شولتز در همین راستا مفهوم «روح مکان» و رلف^۱ مفهوم «حس مکان» را مطرح می‌کند. در این سنت مطالعاتی، مسکن بیش از آنکه به عنوان یک ساختار مطرح شود یک فرآیند در نظر گرفته می‌شود و تعبیر شاعرانه و فلسفی در آن به کار می‌رود. مطالعات دسته دوم به دنبال تحقیق در باب معنای خانه هستند و بر زندگی روزمره انسان‌ها تأکید می‌کنند. این سنت مطالعاتی به عنوان راهی برای توسعه روانشناسانه و تجربی معانی خانه شناخته می‌شود. یکی از معانی، نمایش هویت است (Hauge, 2007, 100).

ارتباط انسان و هستی (طبیعت) در پژوهش جزو عوامل اثرگذار بر فرآیند مطلوبیت در نظر گرفته شده‌اند. مطالعات مرتبطی نیز در این خصوص ذکر شده است. بسیاری از اندیشمندان معاصر احساس تعلق به مکان و نیز حفظ طبیعت و هماهنگی با آن را لازم و ملزوم یکدیگر یافتند. هویت ما با طبیعت مرتبط است و ابتدایی‌ترین قدم برای حفظ آن اهمیت و پایبندی به اخلاقیات محیطی است. منطقی نیست که منافع مستقیم تماس خود با طبیعت را تشخیص دهیم ولی به بقای آن اهمیت ندهیم (بل، ۱۳۸۲: ۱۱۹). نظریه‌پردازانی چون چرمایف و الکساندر، به خلأ ناشی از دوری از طبیعت در زندگی انسان معاصر پرداختند. اینان تماس‌های صمیمانه آدمی با طبیعت را شادهای بی‌نظیر توصیف می‌کنند (چرمایف و الکساندر، ۱۳۵۳: ۴۸). در معماری اساسی‌ترین عامل مردم هستند، از این روی معنای هر اثر معماری بدین وابسته است که این اثر تا چه اندازه آسایش، آرامش و رضایت مردم را تأمین می‌کند و در پاسخ به

^۱ Edmund Husserl. ۱۸۵۹-۱۹۳۸، از فیلسوفان مهم و تأثیرگذار قرن بیستم و بنیانگذار پدیدارشناسی است.

^۲ Martin Heidegger. ۱۸۸۹-۱۹۷۶، یکی از معروف‌ترین فلاسفه پدیدارشناس آلمانی است.

نیازهای ایشان کارا است (چرمایف و همکاران، ۱۳۷۱). در مقاله حاضر مطلوبیت و رضایت‌مندی با رویکرد مطالعات مبتنی بر فلسفه پدیدارشناسی و اهمیت معنا و مکانیت آورده شده است.

فلسفه پدیدارشناسی

پدیدارشناسی واژه‌ای اساساً فلسفی است، چرا که برای نخستین بار فیلسوفان بوده‌اند که این واژه را جهت شرح موقعیت چیزها و وضعیت پدیدارشدن آن‌ها به کار بسته‌اند. پدیدارشناسی در پی بررسی توصیفی و بی‌واسطه آنچه که بر آگاهی ما پدیدار می‌شود است و بیشتر شیوه نگرستن و دیدن است تا مجموعه‌ای از آموزه‌های سخت و دقیق. بدین معنا، پدیدارشناسی در پی تحصیل و ترویج احکام و گزاره‌هایی سخت و پی افکندن یک نظام فلسفی استوار به معنای کلاسیک آن نیست، بلکه بیشتر در پی فراهم آوردن اشارات و رهنمون‌هایی نرم و منعطف برای فهم و ادراک محیط است (شیرازی، ۱۳۹۳: ۹۰). رویکرد پدیدارشناسی که از اواخر دهه هفتاد قرن بیستم به بعد با ترجمه آثار مارتین هایدگر و گاستون باشلار به حوزه‌های تخصصی شهرسازی و معماری راه یافته و مورد توجه بسیار بوده است، رویکردی توصیفی است و در گستره تحقیق کیفی قرار دارد. بحران معنی در فضاهای شهری و کاستی‌های رویکرد کمی در نیل به حس مکان و الفت با مکان از دلایل بازگشت به رویکرد کیفی و نیز پدیدارشناسی بوده است (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۳).

خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته است. در نگاهی فلسفی و روان‌شناختی، باید بین خانه و کاشانه فرق گذاشت. ما در کاشانه اتراق می‌کنیم، اما در خانه مقیم می‌شویم (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴: ۳۴۴). خانه صرفاً تجلی و تبلور یک اثر معماری، یعنی ابژه‌ای زیباشناختی نیست، بلکه یک پدیدار روان‌شناختی، روان‌کاوانه و اجتماعی است. پالاسما معتقد است که خانه بیانی است از شخصیت و خانواده و الگوهای بسیار منحصر به فرد زندگی‌شان. در نتیجه، گوهر خانه به زندگی نزدیک‌تر است تا به اثر تصنعی (شیرازی، ۱۳۹۱: ۶۱). سکناگزینی، یعنی سکونت داشتن و ماندن، راضی بودن و باشیدن در آرامش که یادآور ارتباط کلی بشر با مکان است (نیچه و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۹).

محیط و ادراک

در جهان امروز معماری با حوزه‌های مختلفی در تعامل است و از آن‌ها تاثیر پذیرفته و بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد. معماری شکل دادن به جهان فیزیکی با مَهر انسانی است تا محلی شود برای انس و سکونت (پنج‌تنی، ۱۳۹۵: ۵). در این فرآیند، ادراک پدیده‌ای ذهنی است که در طی آن تجارب حسی معنی‌دار می‌شود و از این طریق از سان روابط امور و معانی اشیا را در می‌یابد. در این عمل تجارب حسی، مفاهیم و تصورات ناشی از آن، انگیزه فرد و موقعیتی که در آن ادراک صورت می‌گیرد دخالت می‌کنند (ایروانی و خدایانه، ۱۳۷۱: ۲۵). زمانی که محرک در یکی از میدان‌های حسی قرار می‌گیرد، وجود آن احساس می‌شود و اگر برای معنا و مفهومی منظور گردد، می‌گویند ادراک حاصل شده است. ادراک فرآیندی پیچیده است که نه تنها با معنا، بلکه با تجربه‌ها و خاطره‌های گذشته، انگیزش، انتظار و شرایط محیطی وابسته است (پارسا، ۱۹۲، ۱۳۷۸). حواس انسان در دو گروه قرار می‌گیرند:

۱. گیرنده‌های فاصله که در ارتباط با اشیا هستند مانند چشم‌ها
 ۲. گیرنده‌های بلافاصله که برای درک جهان‌های نزدیک به کار می‌روند مانند لامسه
- اگرچه هر ارگان وظیفه‌ای ویژه و کاملاً اختصاصی دارد، اما انجام فرایند ادراک محیط معمولاً تنها با همکاری اندام‌های مختلف انجام می‌شود. استفاده از ارگان‌های مختلف برای ادراک محیط همیشه همزمان با هم نیست (گروتز، ۱۳۸۸: ۲۳).

در فرایند ادراک، مغز ما اطلاعات بینایی، شنوایی، بویایی و حتی لامسه را با هم ترکیب می‌کند تا به دریافت یکپارچه‌ای که مد نظر فرایند ادراک است برسد. حاصل یکپارچه سازی اطلاعات محیطی در واقع همان چیزی است که گوردون کالن تحت عنوان منظر شهری مطرح می‌کند. گرچه منظر بصری در ادراک غالب است، اما منظر شهری ترکیبی است از منظر صوتی، بویایی، لامسه و ... (پاکزاد ۱۳۹۱: ۱۰۵). در نتیجه هر ادراکی با دریافت حسی آغاز می‌شود و با خلق معنی (که پس از ارزیابی و تطبیق یافته‌های محسوس پدیدار می‌گردد) در ذهن پایان می‌گیرد، اما نکته اساسی در این فرآیند، تأویل یافته‌هاست که ظهور هر معنی ناگزیر از چنین کنشی است. به طوری که افراد هیچ‌گاه دریافت‌کننده‌های ایستای محیط پیرامون‌شان نیستند، بلکه محرک‌های محیطی را گزینش کرده و به طور فعالانه تفسیر و تأویل می‌کنند (Johnson, 2009, 95).

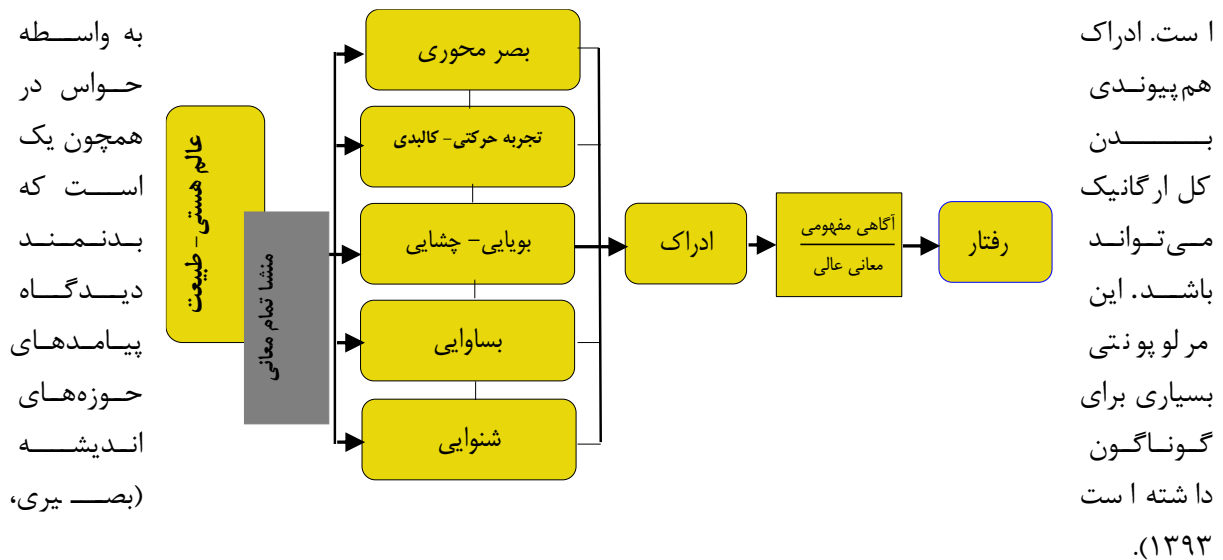
بشر در طول تاریخ اهمیت این موضوع را دریافته که حواس، ما را در مرکز دنیا قرار می‌دهد. حواس به ما این امکان را می‌دهد که توصیفی از خود و آنچه پیرامون‌مان قرار دارد داشته باشیم (Jay, 1994, 27). مخاطب اثر معماری به‌وسیله قوای حسی خود، آن را دریافت و ادراک می‌کند. داشتن تجربه‌ای چندحسی که همه راه‌های ارتباطی انسان با فضا را تحت تأثیر قرار دهد، بر کیفیت و غنای فضای خلق شده می‌افزاید. به زعم پالاسما تجربه معماری، موردی چندحسی است؛ کیفیات ماده، فضا و مقیاس به گونه‌ای برابر به وسیله چشم، گوش، بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضلات سنجیده می‌شوند. معماری تجربه‌ی وجودی و حس در جهان بودن فرد را تقویت می‌کند، و این در اصل به تجربه‌ای غنی از خود می‌انجامد (پالاسما، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۱۲). فضاهای نادری وجود دارند که به طور خاص برای حس‌های غیر بصری طراح شده باشند و تئوری‌هایی که بر چگونگی طراحی چنین مکان‌هایی دلالت داشته باشند نیز ناچیز هستند. تصمیم‌سازی‌های ما می‌باید به جهتی سوق پیدا کند که تنوع تجربیات حسی را که موجب لذت استفاده‌کنندگان هستند، افزایش دهد. ما چنین کیفیتی را غنای حسی می‌نامیم (بنتلی و دیگران، ۱۹۸۵).

زیبایی‌شناسی حسی حاصل حس‌های لذت‌بخشی چون لمس کردن، بوییدن، چشیدن، شنیدن و دوییدن است. برخی محققان تجربه‌گرا عقیده دارند که لذت حسی در عین اینکه بخشی از زیبایی است، انگاره‌های تداعی‌کننده آن‌ها نیز، جزئی از ماهیت اشیاء هستند. زیبایی حسی متوجه خوشایند بودن دریافت حسی است که از محیط به دست می‌آید. در نتیجه متوجه رنگ‌ها، بوها، صداها و بافت‌هایی است که در محیط وجود دارد (چراغی و بندر آباد، ۱۳۹۳: ۲۰۹). ارتباط انسان با محیط اطراف او تابعی است از مجموعه سیستم‌های خاص چندگانه‌اش. احساس بشر از فضا ارتباط نزدیکی با دریافت و درک او از حواس خویش دارد، که آن هم در عکس‌العمل بسیار نزدیک با محیط اطراف او است. بشر می‌تواند به عنوان موجودی در نظر گرفته شود که دارای جنبه‌ای بصری، حرکتی، دمانی و ملموسی از نفس خویش باشد که ممکن است توسط محیط اطرافش مهار شده و یا تقویت گردد. بنابراین موضوع زیبایی‌شناسی لذتی است که از برداشت دیداری، شنیداری، بویایی و لامسه‌ای محیط حاصل می‌شود (لنگ، ۱۳۸۳).

ساختارشناسی مفهوم سکونت

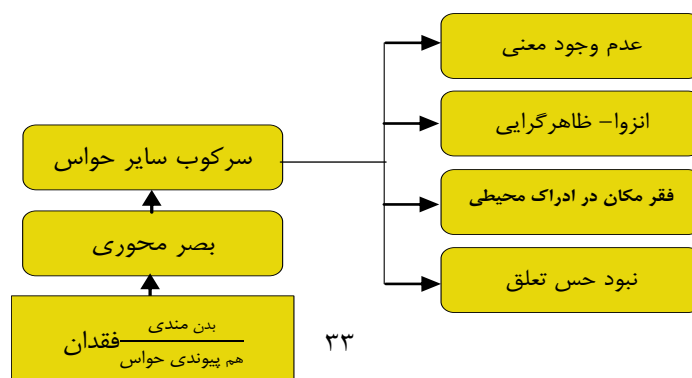
ساختارشناسی مفهوم سکونت از نگاه صاحب‌نظران این حوزه، مبین دیدگاه‌هایی متنوع و متفاوت است. موریس مرلوپونتی^۹ پدیدارشناس فرانسوی، از جمله متفکرانی است که با طرح روابطی نوین میان «آگاهی و بدن» و «سوژه و جهان»، نظام و روش‌مندی پیشین را به پرسش می‌گیرد (شکل شماره ۱). مرلوپونتی مسئله بدنمندی ادراک را مطرح می‌کند. بدنمندی ادراک مستلزم نگاهی نوین به حواس، به مثابه میانجی میان جهان بیرون و سوژه تجربه

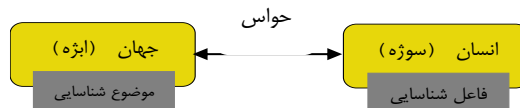
^۹ Maurice Merleau-Ponty, ۱۹۰۸-۱۹۶۱. فیلسوف و پدیدارشناس فرانسوی. شاخه اصلی کار او پدیدارشناسی ادراک است.



شکل شماره (۱): دیاگرام ارتباط انسان-جهان از دیدگاه مرلوپونتی

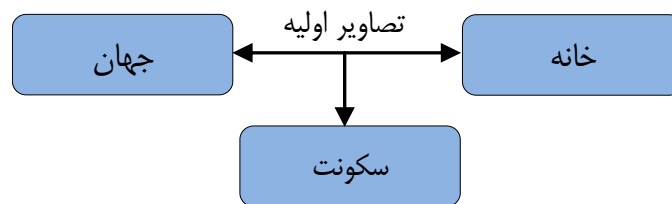
ادراک حسی فعل مقدماتی یافت معانی است، که پیش از هر تفسیری از ناحیه ما در عالم حاضر است یا نوعی فعل وجودی است که موضع ما در آن صرفاً منفعل نیست، بلکه عالمی در ضمن آن بر ما پدیدار می‌شود. ادراک حسی ملاحظه معنای موجودی درون عالمی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها ظاهر می‌شود؛ این معنا بر هر حکمی مقدم است (طالب‌زاده، ۱۳۸۵). کیفیت‌های ماده، فضا و مقیاس به طور مساوی در چشم، گوش، بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضلات بدن تقسیم شده‌اند (شکل شماره ۲). معماری، هفت قلمروی تجربه حسی را در بر می‌گیرد که با هم در تعامل اند و یکدیگر را برمی‌انگیزند. از دیدگاه مرلوپونتی ما عمق، سرعت، نرمی و سختی اشیاء را می‌بینیم (هال و دیگران، ۱۳۹۴:۳۹). مرلوپونتی بر این باور است که ساختار ذاتاً مکانی خود تن، منشأ مکان است. مکان‌فهمی و خود را در مکان یافتن، نخستین واقعیتی است که سوژه در مقام درک وجود خود آن را در می‌یابد (شکری، ۱۳۹۵).





شکل شماره (۲): نتیجه فقدان بدنمندی از دیدگاه مرلوپونتی

مرلوپونتی می‌گوید که با تحلیل ادراک حسی، شیوه مواجهه ما را با عالم روشن سازد؛ به عقیده او، ادراک پنجره‌ای به سوی اشیاء، عالم و حقیقت می‌گشاید، چنان‌که در پدیدارشناسی ادراک می‌گوید ادراک دانش جهان نیست، حتی فعل نیز نیست یا اخذ دلخواه یک موضوع، بلکه زمینه‌ای است که همه افعال از آن پدید می‌آیند و پیش‌زمینه همه آنهاست (شکل شماره ۳). پس، ادراک یک ساختار کلی است که اساس و شالوده آن رفتارهای زیستی ماست و در رأس آن معانی عالی و آگاهی مفهومی قرار دارد (طالبزاده، ۱۳۸۵).



شکل شماره (۳): دیاگرام ارتباطات ادراکی از دیدگاه مرلوپونتی

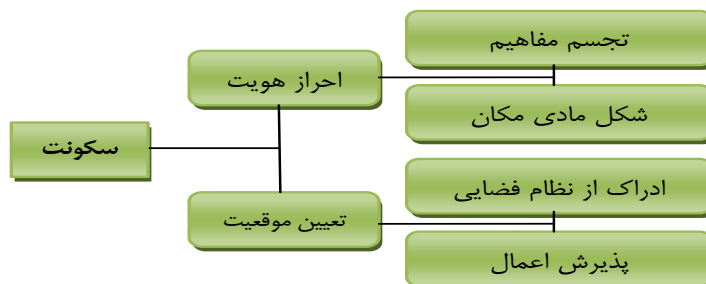
"کریستین نوربرگ شولتز" با تحقیقاتی که درباره سکونت انجام داده به توصیف اهمیت خلق معنا و با ارزش بودن درک حسی پرداخته است. او معتقد است که وظیفه معمار دوگانه است چرا که علاوه بر در نظر گرفتن موضوعات تکنیکی و عملکردی، طراحی باید به گونه‌ای باشد که امکان تفسیر کیفیت‌های محیطی را برای ساکنان فراهم کند (نیلاندر، ۲۰۰۲، ۱۲). شولتز نظریه‌های خود را در مورد معماری و به طور عام در باره «مکان و مجتمع‌های زیستی»، بر مبنای اندیشه‌های افرادی همچون هوسرل و هایدگر بنا کرده است. شولتز در رابطه با «پدیدارشناسی معماری»، به «پدیدارشناسی محیطی» اشاره دارد و موضوع آن را «طبیعت و ساختار مکان در پیوند با زندگی» می‌داند. در این رابطه او اشاره دارد زمانی که چیزی رخ می‌دهد، ما می‌گوئیم برجا (در جایی یا مکانی واقع) شد. این گفته بر این امر دلالت دارد که جا یا مکان به بخش درونی و ذاتی زیست-جهان شکل می‌دهد؛ بنابراین نمی‌توانیم زندگی را در یک دست و مکان را در دست دیگر داشته باشیم، بلکه باید تمامیتی منسجم از این دو داشته باشیم (شولتز، ۱۳۸۲، ۸۹).

کاراکتر، «ماهیت عناصر و مولفه‌های فضا» را تعیین می‌کند، چنانچه نوربری شولتز، در مقاله «پدیده مکان»، بر این عقیده است که هر فعالیتی مکان‌های ویژه با کاراکترهای خاص را می‌طلبد و تنها بواسطه کاراکتر مکان است که

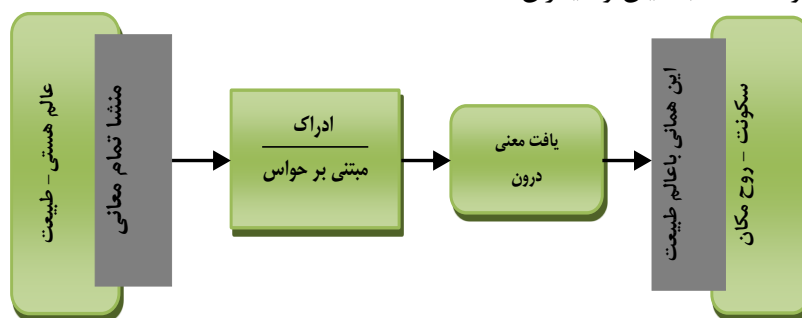
۱. Gaston Bachelard، ۱۸۸۴-۱۹۶۲، ریاضی‌دان، فیزیک‌دان، فیلسوف و معرفت‌شناس فرانسوی است.

۱۱ Moran

می‌توان با مکان ارتباط برقرار کرد و از این روی است که کاراکتر روشی است که طی آن، جهان داده شده است و با دو عملکرد روانشناختی همراه می‌شود که «جهت‌یابی» و «شناسایی» نام می‌گیرند (شولتز، ۱۳۸۰: ۷). پدیدارشناسی مد نظر شولتز، جنبه‌های دوگانه سکونت را «احراز هویت» و «تعیین موقعیت» می‌داند (شکل شماره ۴) که در ساختن مکان نقش بسزایی دارند.



شکل شماره (۴): دیاگرام مفهوم سکونت از نگاه شولتز. منبع: ناخوت و دیگران، گردآوری شده از آن تحت عنوان روح مکان یاد می‌کردند. پدیدارشناسی مکان، در صدد است تا اصول اساسی (ساختاری) در احراز هویت مکان که خاطره، معنا و روح (حس) مکان را در بردارد (شکل شماره ۵)، شناسایی کند. به همین منظور، هر مکانی با رویکردی تحلیلی در قالب دو مؤلفه فضا و کاراکتر، مورد بررسی قرار می‌گیرد و احراز هویت مکانی تنها در قالب طرح چنین تقسیم‌بندی میسر خواهد شد (بمانیان و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۷).

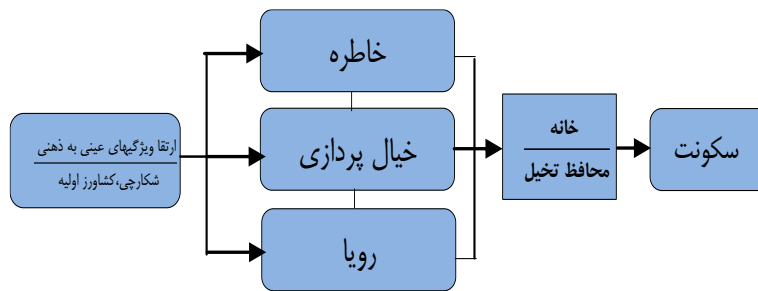


شکل شماره (۵): دیاگرام تلخیص دیدگاه این همانی شولتز

با شلار با نگاهی شاعرانه، مفهوم سکونت را توصیف می‌کند. گاستون با شلار فیلسوف و شاعر فرانسوی در کتاب مشهور خود، «بوطیقای فضا» می‌گوید: «آدمی پیش از افکنده شدن به جهان، در گهواره خانه نهاده شده است» (باشلار، ۱۳۹۲: ۴۶). خانه، مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته است. زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده و از این رو، همچون تکیه‌گاهی آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند (شولتز، ۱۳۸۴). با شلار معنای خانه را اینچنین بیان می‌کند: «خانه زادگاهی است که سلسله مراتب کارکردهای مختلف سکونت کردن یا زندگی کردن در یک خانه را برای همیشه در لوح وجود ما حک می‌کند» و یا در جایی دیگر می‌گوید: «هر فضایی که بتوان در آن به واقع مسکن گزید، مفهوم خانه را از آن خود می‌کند». خانه، تنها پناه‌دهنده روزها و شب‌های حاضر ما نیست. در حفاظ آن، صندوقچه گذشته خود را نیز از خیال خاطرمان بارها باز و بسته می‌کنیم (Pallasmaa, 1992).

«تخیل» در آثار باشلار، کلیدواژه اساسی است. او معتقد است اگر نتوانیم تخیل کنیم قادر به پیش‌بینی نیستیم. هر اتاق، می‌تواند از طریق تبدیل شدن به مکان رویاپردازی، شخصیتی منحصر به فرد یافته و در اختیار فرد قرار بگیرد.

کنش‌های به خاطر سپردن و رویاپردازی با هم مرتبطند. همانطور که باشلار به این موضوع اشاره می‌کند خانه خیال‌پردازی را ماوا می‌دهد (شکل شماره ۶)؛ خانه از رویاپرداز محافظت می‌کند (هال و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۵).



شکل شماره (۶): اهمیت جایگاه خانه در دیدگاه باشلار

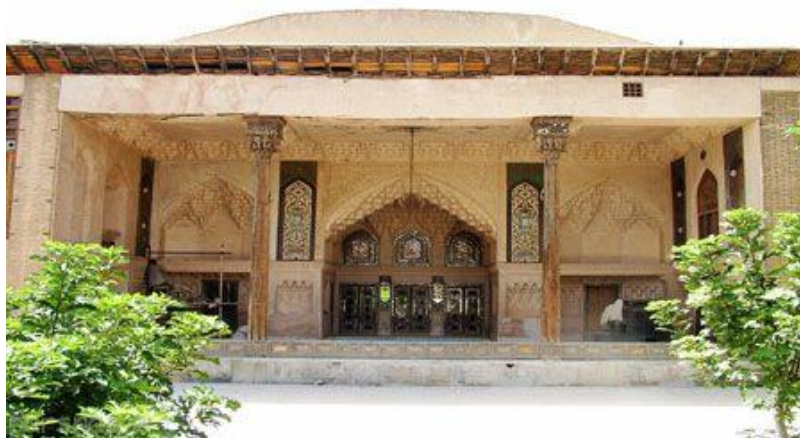
تجربه خانه ضرورتاً تجربه‌ای از گرمای صمیمیت است. فضای گرم کنار شومینه نهایت فضای صمیمیت و راحتی است. معماری صرفاً به تفکرات عملکردی و آگاهانه و نیازهای اجتماعی مسکن‌گزینی شهری پاسخگو نیست، بلکه می‌باید است شکارچی و کشاورز اولیه عصر کهن را که در بدن نهفته‌اند به یاد آورد. احساس ما از راحتی، حفاظت و خانه، ریشه در تجارب ازلی نسل‌های بی‌شمار گذشته دارد. باشلار این‌ها را، «تصاویری که بدویت ما را به نمایش می‌گذارند» یا «تصاویر اولیه» نامگذاری می‌کند. وی می‌نویسد خانه‌ای که ما در آن به دنیا آمده‌ایم در نهاد ما سلسله مراتب عملکردهای متنوع سکنی‌گزیدن را منقوش کرده است (همان: ۷۵).

مولفه‌های رضایت‌مندی مسکن با تأکید بر خانه شیخ‌الاسلام

اکنون با بررسی مولفه‌های رضایت‌مندی و بیان نظرات گوناگون در حوزه پدیدارشناسی و ساختارشناسی مفهوم سکونت، کوششی نظام‌مند جهت پاسخ‌گویی به مسئله‌ی اساسی پژوهش انجام خواهیم داد. خانه شیخ‌الاسلام (ثبت ملی به شماره ۲۹۶۹ به تاریخ ۲۸/۱۰/۷۹) در مجموعه حریم بازار واقع گردیده که در ضلع شرقی آن خیابان فردوسی و در ضلع شمالی مجموعه بازار تاریخی و خیابان ضیائی است. بنای مزبور در سال ۱۱۳۶ ه.ش به دستور بانی، مرحوم شیخ‌الاسلام که یکی از علمای بزرگ زنجان در دوره قاجار بوده، جهت سکونت ساخته شده است. منزل شیخ‌الاسلام به سبک خانه‌های قدیمی زنجان و با مصالح سنگ، آجر و چوب در یک طبقه کار شده است. ورودی در ضلع غربی و اتاق‌ها برگرد حیاطی مشجر واقع گردیده‌اند. تالار اصلی در ضلع شمالی بنا با تزئینات گچ‌بری و سقف لمبه‌کاری شده خودنمایی می‌کند.

به منظور تحلیل کیفی خانه شیخ‌الاسلام، سه سوال باز در مصاحبه مطرح شده است:

- ۱- چه عناصر معماری را در تنوع و مطلوبیت فضایی بنا موثر می‌دانید؟
- ۲- عوامل خاطره‌ساز و هویت‌بخش که در خانه شیخ‌الاسلام بارز هستند کدامند؟
- ۳- چگونه به جز بینایی، سایر ادراکات حسی (مانند، صوت، بو، لامسه) در معماری بنا مورد توجه قرار گرفته‌اند؟



شکل شماره (۷): خانه شیخ‌الاسلام زنجان

پاسخ‌ها بصورت تفسیری تحلیل شده و در جدول شماره (۱) بصورت خلاصه در دو بخش کالبدی و محتوایی آورده شده است. خانه ایرانی در منظر پدیدارشناسی از عناصر ذهنی یا نمادین تشکیل شده است، عناصری که پایه در سطح عمیق فرهنگ ناخودآگاه دارد. مثل ورودی خانه، حیاط مرکزی، سه دری و پنج دری تا اجاق مطبخ. در معماری ایرانی هر کدام از این فضاها جایگاه و اهمیت فوق‌العاده‌ای را به خود اختصاص داده است. سلسله مراتب فضایی از ورودی تا درگیری بدن با تمامی فضا امتداد می‌یابد. عناصری که با زندگی شخصی و هویت اهالی خانه ارتباط دارد، مانند خاطرات و ادراک مشترک. در خانه شیخ‌الاسلام هر گوشه‌ای از خلوت‌ها، فضای سبز، آسایش اقلیمی، اندرون و بیرون، بوی کاهگل، صدای اذان، پرندگان حیاط و صدای فواره آب‌نما، خاطره‌ساز و پرورش دهنده رویای تاریخی ساکنان آن است. در نهایت نمادهای اجتماعی که برای دادن پیام‌ها و تصاویر خاصی برای افراد بیرون به کار می‌رود. مثل نشانه‌های ثروت، آموزش و هویت اجتماعی. تزیینات بکار رفته در طاق‌ها، ایوان‌ها و سردر با شکوه نماد و نشانی از سطح اجتماعی ساکنان خانه ایرانی است (حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۵). خانه‌های ایرانی عموماً درون‌گرا و مرکزگرا هستند و مرکز آن‌ها طبیعت (حیاط) است که درخانه شیخ‌الاسلام نیز این چنین است. کاراکتر خانه ایرانی به دلیل حضور طبیعت، سرشار از آرامش و زندگیست و به دلیل وجود فضاهایی با کیفیت‌های متفاوت، و نمود خاص نور و رنگ در اتاق‌ها سرشار از خیال‌انگیزی و خاطره‌انگیزی. یکی از شاخصه‌های مورد توجه فضا از منظر پدیدارشناسان، ادراک‌پذیری آن توسط تمام حواس از جمله لامسه و بویایی است. با کمی دقت در کیفیات حسی خانه‌های سنتی ایرانی می‌توان این کیفیت را در فضاهای مختلف خانه حس کرد. در واقع در این خانه‌ها، هر فضایی با عطر و بوی خاص خود و با ارتباطی که با باد و باران و آفتاب دارد، حواس لامسه و بویایی انسان را درگیر کرده و تشخیص می‌یابد. خانه شیخ‌الاسلام با دالان‌ها و گوشه‌های دنج و بالاخانه و زیرزمین، فضایی مناسب برای خلوت کردن و یادآوری خاطراتی است که در ناخودآگاه زندگی می‌کنند. فضاهایی که سرشار از خاطرات خصوصی ما است. فضاهایی که در خانه‌های قدیمی ایرانی به وفور یافت می‌شود. خانه سنتی ایرانی با انسان هویت می‌گیرد و به او هویت می‌بخشد و با درگیرکردن حواس پنجگانه انسان، به شناخت ضمنی او از خانه رنگ می‌دهد. مفاهیم مطرح در مصاحبه در توسعه مبانی نظری، تدوین دیاگرام تجمیعی و سوالات پرسشنامه به کار رفته‌اند.

مؤلفه اصلی	زیر مؤلفه	خانه شیخ‌الاسلام
------------	-----------	------------------

محتوایی	هدف	سرپناه- آفرینش پردیس(رضایت ساکنین)- زیبایی.
	فضا	شکل‌گیری احساس تعلق، دلبستگی به مکان احساس هویت.
	انسان- طبیعت	ابتدای فرآیند این همانی- طبیعت منشا تمام معانی
کالبدی	اجرا	درون‌گرایی- بازشوهای فراوان- خلوت- فضای سبز- آسایش اقلیمی.
	فضا	تفکیک اندرونی و بیرونی- کنترل دید- ورودی خانه- هشتی
	مرکزیت	خانه ایرانی درون‌گرا و مرکزگراست- مرکز بنا طبیعت است- حیاط.
	ادراک	غناي حسی- بازخوانی خاطرات در دالان‌ها و بالاخانه- مردم‌واری

جدول شماره ۱. تحلیل مؤلفه‌های کیفی در خانه شیخ‌الاسلام.

مطلوبیت و رضایتمندی در مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی



شکل شماره (۸): منظره عمومی مجتمع مسکونی قائم زنجان

اکنون با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون نظریات بیان شده، به تبیین یافته‌های تحقیق و تحلیل عاملی تأییدی عوامل موثر بر مطلوبیت نمونه‌های موردی خواهیم پرداخت. به کارگیری آزمون‌های آماری مناسب با روش پژوهش منجر به حصول اطمینان از دقت و صحت نتایج به دست آمده می‌گردد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱۳). وضعیت متغیرهای تحقیق با به کارگیری جداول و شکل‌ها به نمایش گذاشته شده و در ادامه برای پاسخ‌گویی به سوالات پژوهش و نتیجه‌گیری از روش‌های آماری و آزمون‌های متفاوت با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Amos24 استفاده گردید. آزمون‌های KMO و بارتلت جهت بررسی مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، و روش آماری تحلیل اکتشافی برای به دست آوردن عامل‌ها. ساختار پرسشنامه شامل دو بخش اساسی است که در قالب ۳۰ سوال طیف لیکرت پنج گزینه‌ای ارائه گردید. پرسش‌شوندگان ابتدا به سوالات در خصوص ویژگی‌های فردی و ریشه‌داری و آشنایی با مکان پاسخ دادند. سوالات اصلی با سرفصل‌های تجربه حسی با زیرمجموعه (بینایی - شنوایی - بویایی و چشایی - بساواپی و بدنمندی و تجربه حرکتی)، ادراک با زیرمجموعه (بازشناسی - مکانیابی - ثبات ادراک)، احراز هویت و تعیین موقعیت با زیرمجموعه (روح مکان - هویت مکانی - خاطره - معنا - رویا) و سرانجام مطلوبیت و رضایتمندی بر اساس مطالعات نظری و سوالات مصاحبه تدوین گردیدند. در انتخاب سوالات سعی شده

است تا هر کدام بخشی از ویژگی‌های معمارانه فضا را مخاطب قرار دهد. برای مثال در بخش بینایی، نور و رنگ محیط و نماسازی، تناسبات و چشم‌انداز، در بویایی، بوی فاضلاب و رایحه فضای سبز و در شنوایی، صدای ریزش آب از آبنما، تردد اتومبیل و صدای طبقات مورد پرسش واقع شده‌اند.

نمونه سوالات پرسشنامه	
q1	چشم انداز قابل رویت از داخل به خارج مجتمع ما بسیار زیبا و دلپذیر است.
q7	محل قرارگیری زباله ها در محلی است که باعث آزار و ناراحتی همسایگان میگردد.
q13	صدای واحدهای مجاور یا طبقات بالا و پایین آرامش و حریم خصوصی ما را مخدوش کرده است.
q15	ورودی بلوک مسکونی در تابستان حس خنکی و سایه و در فصل زمستان گرمای مطبوعی دارد.
q19	کف سازی قسمت های مختلف مجتمع با یکدیگر تفاوت دارد و من بدون دیدن امکان تشخیص موقعیتم را دارم.
q22	هنگامی که وارد فضای مجتمع می شوم احساس خوب و آرامش بخشی دارم.
q25	مجتمع م سکونی برای من یادآور خاطرات خوش آیندی در قدیم است.
q29	مجتمع مسکونی که در آن سکونت دارم، به میزان زیادی خواسته های من را در جهت سکونت در یک مجموعه ایده آل برآورده کرده است

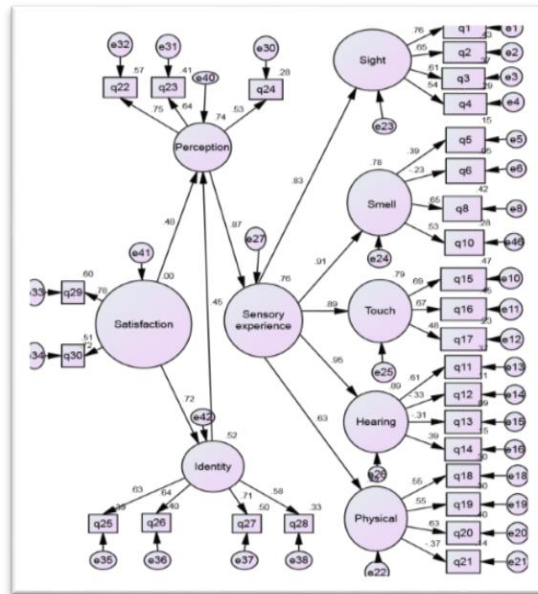
جدول شماره ۲. نمونه سوالات پرسشنامه

ضریب کی ام او برابر $0/853$ است و از طرفی از طریق آزمون بارتلت، $p\text{-value}=0/000$ به دست می آید که در سطح ۵ درصد معنی دار است یا به عبارتی داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند. برای بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. هر چه اندازه این ضریب نزدیک به ۱ باشد نشان می‌دهد پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است.

تعداد گویه‌ها	آلفا کرونباخ
۳۰	$0/864$

جدول شماره ۳. بررسی پایایی پرسشنامه

مدل ارائه شده در (شکل شماره ۱۰) بارعاملی هر سازه را در حالت تخمین استاندارد نشان می‌دهد. توجه کنیم در مدل، دایره‌های بزرگ معرف عامل‌های نهفته، مستطیل‌ها معرف سنجه‌های اندازه‌گیری مربوط به آن عوامل هستند و دایره‌های کوچک نیز نشان‌دهنده‌ی مقداری از واریانس تعیین شده برای هر متغیر است. اگر بارعاملی بین $0/2$ و $0/6$ باشد مطلوب، و در صورتی که بزرگتر از $0/6$ باشد بسیار مطلوب است (Mirzadeh, 2009). در این پژوهش بارعاملی مورد پذیرش را برابر $0/2$ در نظر می‌گیریم.



شکل شماره (۹): بارهای عاملی مربوط به مدل کلی پژوهش

در این مدل کلی براساس مبانی نظری مطرح در ادبیات پژوهش ۵ عامل پنهان مربوط به تجربه حسی یعنی ۱. بینایی، ۲. بویایی و چشایی، ۳. شنوایی، ۴. بساواپی و ۵. بدنمندی و تجربه حرکتی در رابطه با متغیره پنهان ادراک و ادراک نیز در رابطه با احراز هویت و در نهایت این متغیرها در رابطه با رضایت‌مندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تخمین که در (جدول شماره ۴) ارائه شده است، حاکی از مناسب بودن نسبی شاخص‌ها دارد. باتوجه به خروجی آموست مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۵۸۶/۲۱۱ می باشد که نسبت به درجه آزادی آن یعنی df ۳۱۵، کمتر از عدد ۳ می‌باشد. پایین بودن میزان این شاخص نشان‌دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی با داده‌های مشاهده شده تحقیق است. مقدار RMSEA و RMR به ترتیب برابر ۰/۰۷۴ و ۰/۰۴۵ می‌باشد. شاخص‌های GFI، NFI و CFI به ترتیب برابر ۰/۹۳۰، ۰/۹۲۴ و ۰/۹۳۲ می‌باشد که نشان‌دهنده برازش نسبتاً بالایی می‌باشند. بارهای عاملی مدل در حالت تخمین استاندارد میزان تاثیر هر کدام از متغیرها و یا گویه‌ها در توضیح و تبیین واریانس نمرات سازه اصلی را نشان می‌دهد.

شاخص برازش	مقدار	نتیجه مطلوب
χ^2 / df	< ۳/۰۰	۱/۷۱۹
GFI (goodness of fit index)	> ۰/۹۰	۰/۹۳۰
RMSE (Root Mean Squared error)	< ۰/۰۸	۰/۰۷۴
RMR (Root Mean Squared residuals)	< ۰/۰۵	۰/۰۴۵
NFI (Normed Fit Index)	> ۰/۹۰	۰/۹۲۴
CFI (Comparative Fit Index)	> ۰/۹۰	۰/۹۳۲

جدول شماره ۴. بار عاملی و آماره آزمون مربوط به رضایت افراد حاصل خروجی نرم‌افزار

به عبارت دیگر بار عاملی نشان‌دهنده میزان همبستگی هر متغیر مشاهده‌گر (سوال پرسشنامه) با متغیر مکنون (عامل‌ها) می‌باشد قضاوت معناداری بارهای عاملی برعهده مقدار آماره t است. چون معناداری در سطح خطای $0/05$ بررسی می‌شود، بنابراین اگر آماره آزمون t -value از مقدار بحرانی $1/96$ و $-1/96$ بزرگتر باشد، تمامی بارهای عاملی معنادار است.

سنجه	مؤلفه	نشانه	بارعاملی	مقدار t	سطح معنی داری
دراک	بازشناسی	q22	0/755	6/210	*0/000
	مکانیابی	q23	0/599	6/306	*0/000
	ثبات ادراکی	q24	0/532	5/188	*0/000
رضایت مندی و رضایت	روح مکان	q25	0/628	5/223	*0/011
	هویت	q26	0/636	4/842	*0/013
	مکانی	q27	0/708	4/805	*0/010
	خاطره معنا	q28	0/578	3/541	*0/015
رضایت		q29	0/775	6/201	*0/000
		q30	0/715	4/113	*0/000

جدول شماره ۵. بارعاملی مربوط به مدل رضایت‌مندی افراد

* در سطح $0/05$ معنی‌دار است.

در بخش ادراک q23 با بار عاملی 0/755 بیش‌ترین تأثیر و q24 با بارعاملی 0/532 کمترین تأثیر را بر این مؤلفه داراست. احراز هویت نیز q27 با بار عاملی 0/708 بیش‌ترین تأثیر و q28 با بارعاملی 0/578 کمترین تأثیر را بر این مؤلفه داراست. در بخش رضایت‌مندی نیز q30 با بار عاملی 0/715 کمترین و q29 با بارعاملی 0/775 بیش‌ترین تأثیر را بر این مؤلفه دارد. با توجه به اینکه مقدار آماره آزمون t -value از مقدار بحرانی $1/96$ و $-1/96$ بزرگتر است، (در جدول شماره ۶) تمامی بارهای عاملی معنادار است. سطح معنی‌داری بین احراز هویت و رضایت‌مندی برابر $4/188$ است که بزرگتر از $1/96$ می‌باشد و نشان می‌دهد ارتباط بین احراز هویت و رضایت‌مندی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. همچنین بارعاملی (ضریب مسیر) این دو متغیر برابر 0/722 است که نشان‌دهنده تأثیر بالای این متغیر بر رضایت است. سطح معنی‌داری بین ادراک و رضایت‌مندی افراد برابر $2/590$ است که بزرگتر از $1/96$ می‌باشد و نشان می‌دهد ارتباط ادراک و رضایت‌مندی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. همچنین بارعاملی (ضریب مسیر) این دو متغیر برابر 0/479 است که نشان‌دهنده تأثیر این متغیر بر رضایت است. سطح معنی‌داری بین تجربه حسی و ادراک برابر $5/192$ است که بزرگتر از $1/96$ می‌باشد و نشان می‌دهد ارتباط بین تجربه حسی و ادراک افراد در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. همچنین بارعاملی (ضریب مسیر) این دو متغیر برابر 0/873 است که نشان‌دهنده تأثیر زیاد تجربه حسی بر عامل ادراک است. سطح معنی‌داری بین احراز هویت و ادراک افراد برابر $2/411$ است که بزرگتر از $1/96$ است و نشان می‌دهد ارتباط احراز هویت و ادراک افراد در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. همچنین بارعاملی (ضریب مسیر) این دو متغیر برابر 0/451 می‌باشد که نشان‌دهنده تأثیر ادراک بر عامل احراز هویت است.

نشان متغیر	بارعاملی	مقدار P	t-value
------------	----------	---------	---------

(عوامل موثر بر رضایت)			
۴/۱۸۸	*.۰/۰۰۰	۰/۷۲۲	Identity → Satisfaction
۲/۵۹۰	*.۰/۰۰۳	۰/۴۷۹	Perception → Satisfaction
۵/۱۹۲	*.۰/۰۰۰	۰/۸۷۳	Perception → Sensory experience
۲/۴۱۱	*.۰/۰۰۰	۰/۴۵۱	Perception → Identity

جدول شماره ۶. بارعاملی متغیرهای اصلی پژوهش، خروجی نرم افزار

از سوی دیگر نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه و بارهای عاملی مربوط به حواس (جدول شماره ۷) نشان می‌دهد که تحریکات شنوایی و بویایی به ترتیب با بارهای عاملی ۰/۹۵۱ و ۰/۹۱۲ مهم‌ترین و بدنمندی و تجربه حرکتی کمترین اهمیت را در اولویت ادراک ساکنان بیش از یک سال دارند و بینایی نیز از اولویت خارج گردیده است.

عوامل موثر	نشان متغیر	بارعاملی	مقدار P	t-value
بینایی	Sight	۰/۸۲۷	*.۰/۰۰۰	۵/۳۲۷
بویایی و چشایی	Small	۰/۹۱۲	*.۰/۰۰۰	۳/۲۲۳
شنوایی	Hearing	۰/۹۵۱	*.۰/۰۰۰	۴/۲۲۵
لامسه و بساوابی	Touch	۰/۸۹۴	*.۰/۰۰۰	۴/۹۴۳
بدنمندی و تجربه حرکتی	Physical	۰/۶۲۸	*.۰/۰۰۰	۳/۴۴۱

جدول شماره ۷. بار عاملی و آماره آزمون مربوط به سازه‌های تجربه حسی

* در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاکی از آنست که بین مؤلفه‌های حسی و معیارهای کیفیت یک مجموعه مسکونی رابطه معناداری وجود دارد. طراحی محیط به صورت چند حسی که ملزومات مورد نیاز برای ادراک همه حواس را فراهم می‌کند، به دلیل پاسخگویی به نیازهای تمامی اعضاء، کیفیت همه شمولی را در محیط ایجاد می‌کند، علاوه بر این موجب ایجاد و تقویت سایر کیفیت‌های محیط نیز می‌گردد. مطالعه نشان داد، مؤلفه‌های حسی موجود چه در خانه قاجاری شیخ‌الاسلام و چه مجتمع‌های مسکونی جدید، در چگونگی کیفیت‌های محیطی آن نقش داشته و بر مطلوبیت فضا و رضایت ساکنان تاثیر دارند. اما نکته مهم و اساسی ترتیب و اولویت این مؤلفه‌های حسی است که نشان می‌دهد هرچند بنا به تجربه، ویژگی‌های بصری در انتخاب اولیه دارای اهمیت بالایی هستند به مرور زمان و افزایش زمان سکونت اهمیت اولیه خود را از دست می‌دهند و به تبع آن طراحان محیط‌های شهری و معماران باید این تقدم و تأخر را در لحاظ ویژگی‌های حسی محیط در مرحله طراحی نیز مد نظر قرار دهند. در جمع‌بندی دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تحلیل‌های انجام شده بر روی مصاحبه‌های کیفی و پرسشنامه، می‌توان نتیجه گرفت که خانه امروز فراتر از تامین نیازهای اولیه انسانی، مفاهیمی بالاتر در محدوده فلسفه و روانشناسی محیطی دارد. جوهره خانه، مبتنی بر چهارچوب سکونت ساکنان آن است. مرلپونتی، پدیداری عالم را از طریق ادراک حسی و بدنمندی می‌بیند، باشلار مفهوم خانه را در حفاظت خیال می‌جوید، و شولتز معنی سکونت را در روح‌مکان و این‌همانی با طبیعت می‌شناسد. در این دیدگاه مسکن مطلوب مسکنی است، که در این همانی با جهان از رویا و تخیل انسان (باشلار) محافظت می‌کند، با هویت و معنا، حس مکان (شولتز) را ایجاد می‌کند و در این مسیر از حضوری مبتنی بر تن و ادراک حسی (مرلپونتی) بهره می‌گیرد (جدول شماره ۸).

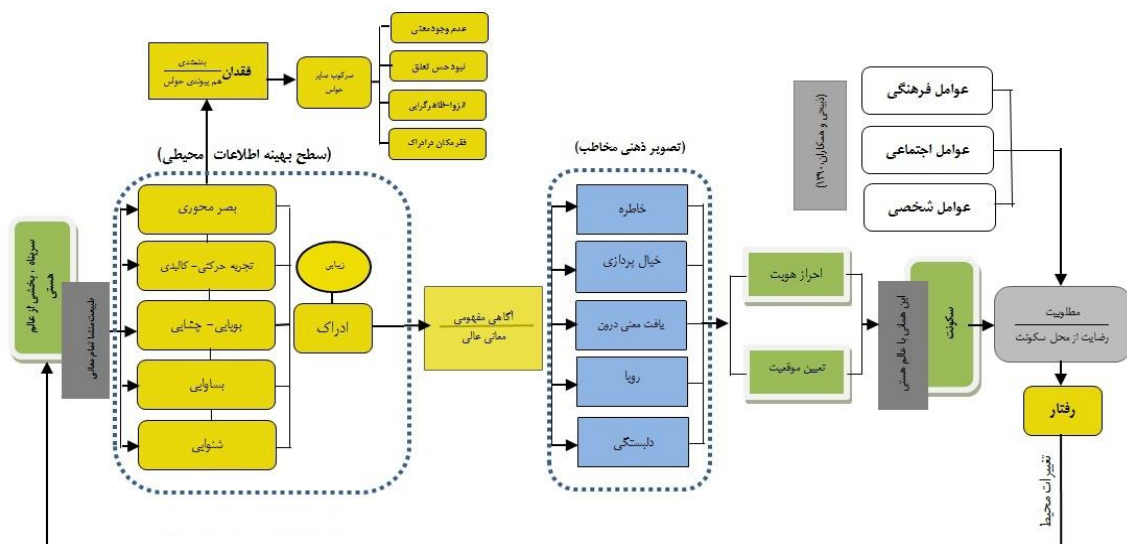
پدیدارشناسی	کلید واژگان پدیدارشناسی سکونت
موریس مرلپونتی	ادراک حسی، بدنمندی، آگاهی

گاستون باشلار	تصویر اولیه، خاطره و خیال، خانه
کرسٹین نوربرگ شولتز	روح مکان، معنی درون، این همانی، سکونت

جدول شماره ۸. ارتباط نظرات و اندیشمندان پدیدارشناس.

چنانکه اشاره شد، مطلوبیت سکونتگاه مفهومی گسترده است که از شاخصه‌های مختلفی تاثیر می‌پذیرد، و خود بر موضوعات دیگری همچون رفتار، موثر واقع می‌شود. بخشی از این عوامل شامل ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصی که (در مطالعات قبلی بررسی شده اند، با ذکر منبع) و در دیاگرام نهایی نمود یافته‌اند، در محدوده مطالعه حاضر نبوده‌اند. مسیر اصلی (بر اساس تایید مدل خروجی نرم افزار) شامل فرآیندی است که چگونگی تبدیل شدن یک کل (عالم هستی - طبیعت) را به جزئی که انسان در آن استقرار می‌یابد (سکونت و رضایت از آن) نمایش دهد. این مسیر شامل تاثیرات محیط، ادراک و ذهنی شدن عواملی است که منتج از تجربه چند حسی اولیه هستند. نظرات هر پدیدارشناس در بخشی که توفیق داشته است، متمایز گردیده است، سپس فصل مشترک اندیشه‌ها به عنوان نقطه قرابت و اتصال در یکپارچگی نمودار نقش ایفاء کرده‌اند. سرآغاز، برداشت تمامی حواس از عالم هستی است، نقطه پیوستگی در مطالعات مرلوپونتی و باشلار. نمودار با بسط نظریات مرلوپونتی نتیجه فقدان بدنمندی را که شامل عدم وجود معنی و نبود حس تعلق است ارائه می‌کند. در مرحله دوم ادراک محل اتصال کلیدی تفکرات نوربرگ شولتز و مرلوپونتی است. مرلوپونتی کلمه ادراک را حاصل برداشت حواس و شولتز آن را به معانی عالی (آگاهی مفهومی) همچون خاطره و تخیل توسعه می‌دهد. مرحله اصلی و پایانی برای طراحی نمودار، تعریفی است که گاستون باشلار از این همانی سکونتگاه با عالم هستی، به عنوان پیش‌نیاز آرامش و رضایت ذکر می‌کند. باتوجه به نتایج بحث و تایید نتایج در آزمون انجام شده در نهایت مدل مفهومی مطلوبیت سکونتگاه به شکل زیر ارائه می‌گردد (شکل شماره ۱۱).

شکل شماره (۱۰): مدل تجمیعی، مفهومی مطلوبیت سکونتگاه



کتاب‌ها:

اکسنر، اولریخ؛ و پرسل، دتریش. (۲۰۰۷). مفاهیم پایه در طراحی فضا، مترجمشادی عزیز و صفورا اولنج، تهران: نشر فکر نو.

ایروانی، محمود؛ محمدکریم، خداپناهی. (۱۳۷۱). روانشناسی احساس و ادراک. تهران: انتشارات سمت. باشلار، گاستون. (۱۳۹۱). بوطیقای فضا. مترجم مریم کمالی و محمد شیربچه، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

بریمانی، آلاله. (۱۳۹۱). سنجش مؤلفه‌های پدیدارشناسی برای ارزیابی حس مکان. قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

بل، سایمون. (۱۳۸۲). منظرالگو، ادراک و فرآیند. مترجم بهناز امین زاده، تهران: دانشگاه تهران. پاکزاد، جهانشاه؛ بزرگ، حمیده. (۱۳۹۱). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، تهران: آرمانشهر. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۳). چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی. مترجم رامین قدس، تهران: پرهام نقش. پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان. تهران: موسسه متن.

چرمایف، سرچ؛ الکساندر، کریستوفر. (۱۳۷۱). عرصه‌های زندگی جمعی و خصوصی به جانب یک معماری انسانی. مترجم منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگه. شولتز، کریستیان نوربری. (۱۳۸۴). مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی. مترجم محمود امیر یار احمدی، تهران: آگه.

شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف پالاسما. تهران: رخداد نو. گروت، روگ کورت. (۱۳۸۸). زیبایی‌شناسی در معماری. مترجم جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

لنگ، جان. (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری. ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: دانشگاه تهران. معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: کتاب راه نو.

نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۹۳). وجود، فضا و معماری. مترجم ویدا نوروز برازجانی، تهران: پرهام نقش. نیچه، فریدریش ویلهلم؛ هیدگر، مارتین و فوکو، میشل. (۱۳۹۳). هرمنوتیک مدرن، گزینه ساختارها. مترجم بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران: نشر مرکز.

هال، استیون؛ پالاسما، یوهانی و پرزگومز، آلبرتو. (۱۳۹۴). پرسش‌های ادراک؛ پدیدارشناسی معماری. مترجم مرتضی نیک فطرت، سیده صدیقه میرگذار، احسان بی طرف، تهران: فکر نو.

مقالات:

اخوت، هانیه؛ بمانیان، محمدرضا و انصاری، مجتبی. (۱۳۹۰). "بازشناسی مفهوم معنوی «سکونت» در مسکن سنتی اقلیم کویری". مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۵، صص ۱۰۲-۹۵.

بمانیان، محمدرضا؛ محمودی نژاد، هادی و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۷). "پدیدارشناسی محیط شهری". نشریه محیط زیست، شماره ۴، صص ۲۹۷-۲۸۲.

پنج‌تنی، منیره. (۱۳۹۴). "فلسفه معماری گفتگو با مهرداد قیومی بیدهندی". مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۱۲، صص ۱۲-۵.

حمزه نژاد، مهدی؛ دشتی، مینا. (۱۳۹۵). "بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی". نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، شماره ۲، صص ۳۵-۲۴.

- ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح و رهبری‌منش، کمال. (۱۳۹۰). "رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان (مطالعه موردی چند مجتمع مسکونی در تهران)". فصلنامه هویت شهر. شماره ۸، صص ۱۱۸-۱۰۳.
- طالب زاده، سید حمید. (۱۳۸۵). ادراک حسی در پدیدارشناسی مرلویونتی. مجله فلسفه، دوره ۳۴، شماره ۱، صص ۶۳-۷۲.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۷). "محیط بصری شهر و سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار". مجله علوم محیطی، شماره ۵(۴)، صص ۱۱۴-۹۵.
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۰). پدیده مکان. مترجم نیر طهوری، فصلنامه معمار، شماره ۱۳، صص ۱۲-۴.

English sources:

- Aiello, A. (2010). "Neighbourhood Planning Improvement: Physical Attributes, Cognitive and Affective Evaluation and Activities in Two Neighbourhoods in Rome". *Journal of Evaluation and Program Planning*, 33, 264-275.
- Bonaiuto, M. (2006). "Perceived Residential Environment Quality In middle And low - Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée European Review of Applied Psychology*", 56, 23-34.
- Hale, A. (2000). *Building Ideas: An Introduction To Architectural Theory*. John Wiley & Sons, Chichester, England.
- Hauge, A. (2007). "Identity and place: a critical comparison of three identity theories". *Architectural Science Review*, 50(1), 44-51.
- Mirzadeh, M. (2009). *Statistical analysis with spss software*. Tehran: Tayma.
- Jay, M. (1994). "Downcast Eyes The Denigration of Vision in Twentieth-Century French Thought". University of California Press.
- Joedicke, J. (1985). "Space and Form In Architecture". Stuttgart: Karl Kramer Verlag.
- Johnson, A. (2009). "Visualization Techniques, Human Perception and The Built Environment". *Built Environment Research Papers*, 2(2), 93-103.
- Moran, D. (2002). *The Phenomenology Reader*. New York: Routledge.
- Pallasmaa, J. (1992). *Identity, Intimacy and Domicile: Notes on the phenomenology of home*.
- Wohlwill, J. (1968). "Amount of stimulus exploration and preference as differential functions of stimulus complexity". *Perception & Psychophysics*, 4(5), 307-312.